

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 131

131-198

Date of filing: 26 Mar '92

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of Khaliliani  
TO DEC 101  
- Date N/A  
\_\_\_\_\_ pages in English 5 pages in Farsi  
(Doc 196)

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

## IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

## دیوان داوری دعاری ایران - ایالات متحدہ

DISSENTING OPINION OF JUDGE S.K. KHALILIAN

Case No. 131

Chamber Two

پرونده شماره ۱۳۱

شعبه دو

تصمیم شماره ۲ - ۱۳۱ - ۱۰۱ دی.ای.سی

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پترو لین اینک،

ایستمن ویپستاک منیوفکچرینگ اینک

و سی هورس فلیت اینک،

خواهانها،

- و -

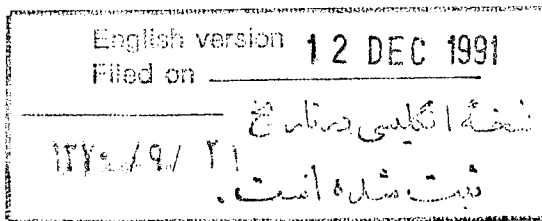
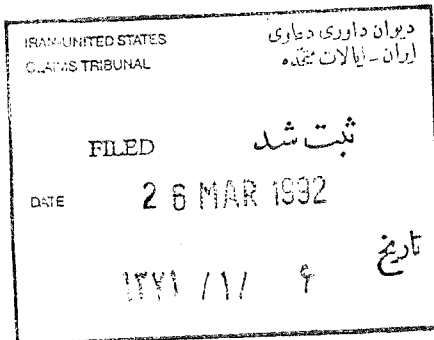
دولت جمهوری اسلامی ایران،

شرکت نفت پان امریکن ایران،

شرکت ملی نفت ایران، و

شرکت خدمات نفت ایران،

خواندگان.



نظر مخالف سید خلیل خلیلیان

۱ - اینجانب معتقدم که اطلاق اسم "حکم" بر سندی که تحت شماره ۲-۳۹-۴۲۵ در پرونده فیلیپس به ثبت رسیده، اسم بی مسمایی است و نیز معتقدم که باتوجه به آگاهی عمومی از رویدادهای مهم پیرامون تنظیم و ابطال آن، سند مزبور نباید وجود مبهم و مشکوک خود را در سوابق قضایی دیوان داوری دعاری ایران و ایالات متحده حفظ کند.

۲ - مدتها پیش از آنکه نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران (منبعد "نماینده رابط") درخواست مورخ ۲۱ شهریورماه ۱۳۷۰ [۱۲ سپتامبر ۱۹۹۱] خود را مبنی بر اعتراض به نقل قول مندرج در بند ۵۰ حکم صادره در پرونده پترولین (حکم شماره ۲-۱۳۱-۵۱۸) تسلیم کند اینجانب موضع قاطع خود را درباره ماهیت حقوقی "حکم" پیشگفته در پرونده فیلیپس (۱) بیان کرده بودم. در آن پرونده دیوان فقط متن انگلیسی آن سند را که "حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵" نامگذاری شده بود امضا کرد، زیرا پیش از آنکه متن فارسی آن سند صادر شود، طرفین اختلافات خود را از طریق مذاکره حل و فصل و از دیوان درخواست کرده بودند که براساس آن، حکمی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین صادر کند و دیوان ضمن پاسخ مساعد به این درخواست حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین شماره ۲-۳۹-۴۶۱ (۲) را صادر کرد. متعاقب آن، همکارم آقای آلد ریچ طی اعلامیه‌ای که صادر کرد (۳) این سؤال را مطرح نمود که آیا حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵ برطبق قواعد دیوان (۴) واقعا "یک حکم" است یا چنانکه طرفین درخواست کرده‌اند باید "باطل و کان لم یکن"، یعنی سندی عاری از هرگونه ارزش حقوقی، (۵) تلقی شود.

---

۱ - نظر جداگانه خلیلیان مورخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۸ [ششم فوریه ۱۹۹۰] در پرونده فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران علیه ایران چاپ شده در 21 Iran-U.S. C.T.R. 294. نماینده رابط در درخواست فوق‌الذکر، تاریخ این نظر را اشتباها "۲۳ فوریه ذکر کرده است.

۲ - حکم شماره ۲-۳۹-۴۶۱ صادره در پرونده فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران علیه ایران چاپ شده در 21 Iran-U.S. C.T.R. 285.

۳ - ص ۲۹۳ همان مأخذ.

۴ - طبق قواعد دیوان (تبصره ۲ ماده ۱۷)، احکام و تصمیمات دیوان باید به دو زبان رسمی دیوان، یعنی فارسی و انگلیسی، صادر گردد. به علاوه رویه دیوان پیوسته مبتنی بر این قاعده بوده که تا متن فارسی حکمی امضا نشود، ابلاغ مبنی بر اجرای حکم و پرداخت مبلغ، به کارگزار امانی داده نمی‌شود. بنابراین وقتی حکم به دو زبان فارسی و انگلیسی صادر شد قطعی و لازم‌الاجرا می‌شود و تنها در آن هنگام است که اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند.

۵ - بنگرید به زیرنویس ۲ در صفحه ۲۹۰ حکم مذکور فوق.

نظرات آقای آلدریج در آن اعلامیه تفاوت چندانی با استدلال اکثریت در تصمیم فوق‌الذکر ندارد. ولی استدلالاتی که اینجانب در آن زمان در نظر جداگانه خود مطرح کردم میزان اختلاف نظر اینجانب را با نظرات ایشان و با یافته‌های اکثریت در این ارتباط نشان می‌دهد، به این معنی که اگر اسم "حکم" که به سند شماره ۲-۳۹-۴۲۵ اطلاق شده صرفاً "برچسب بی‌محتوایی نیست و برعکس بدان معنی است که سند مزبور واجد شرایط حکم طبق الزامات قواعد دیوان است، باید به پرونده مورد بحث عنوان امر مختوم می‌داد. آنگاه در چنین صورتی طرفین مستمسکی برای آغاز مذاکرات حل و فصل دوستانه نمی‌داشتند زیرا با وجود یک حکم "تهایی و لازم‌الاجرا"، عملاً "دیگر موضوعی متنازع‌فیه بین آنها وجود نمی‌داشت.

۳ - برای توضیح بیشتر این نکته به ماده ۳۴ قواعد دیوان استناد می‌کنم که بدون هیچگونه ابهامی مقرر داشته است که:

اگر طرفهای داوری پیش از صدور حکم، در مورد حل اختلافات خود به توافق برسند، دیوان داوری یا دستوری مبنی بر ختم جریان داوری صادر خواهد کرد یا به تقاضای هر دو طرف و تصویب دیوان مصالحه را به صورت حکمی براساس توافق طرفین به ثبت خواهد رساند..... (خط تأکید اضافه شد)

باتوجه به ماده مزبور و این واقعیت که دیوان فقط حکمی را حکم می‌شناسد که "قطعی و لازم‌الاجرا" است، نظرات مندرج در بند ۴ آن تصمیم مبنی بر اینکه:

با آنکه طرفین بعداً "طی مصالحه بین خود توافق کردند که به مجرد صدور حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین که موافقتنامه حل و فصل فیما بین را نفاذ بخشد، حکم صادره را باطل و کان لم یکن و بی اثر تلقی خواهند کرد معیناً حصول آن توافق نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد که حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵ به زبان انگلیسی صادر و استنتاجات و استدلالات دیوان در آن اعلام شده بود.

به نظر می‌رسد که یا متناقض است و یا حاکی از اینکه اکثریت نوع جدیدی از "حکم"

ابداع کرده که مفهومی دارد غیر از آنچه که دیوان رسماً در قواعد و سوابق خود شناخته است. در این رابطه باید تأکید کرد که طرفین پرونده شماره ۳۹ حق نداشتند از دیوان درخواست کنند حکمی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین صادر کند مگر آنکه چنین درخواستی "قبل از صدور حکم" تسلیم می‌شد. معیذاً طرفین چنین درخواستی کردند و علیرغم وجود سندی تحت عنوان "حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵" دیوان با درخواست آنها موافقت و بر مبنای موافقتنامه حل و فصل آنها مبادرت به صدور حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین کرد(۶). اتفاقاً اکثریت [موافق با] آن حکم، همان اکثریت [موافق با] تصمیم حاضر بود. بنابراین اکثریت با عمل خود ظاهراً پذیرفته است که "حکم" اولیه یعنی سند شماره ۲-۳۹-۴۲۵ به منزله حکمی که در قواعد دیوان توصیف و به رسمیت شناخته شده نبوده و نمی‌باشد، زیرا اگر در پرونده شماره ۳۹ حکم صحیحی از پیش صادر شده بود، خلاف قواعد دیوان می‌بود که اکثریت حکم دومی یعنی حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین شماره ۲-۳۹-۴۶۱ را صادر کند.

۴ - به عقیده من درخواست نماینده رابط باید مورد قبول واقع می‌شد زیرا استدلال مندرج در بند ۵ آن، به استثنای این پیشنهاد که "مطابق ماده ۳۶ [قواعد دیوان] با این مسأله باید به عنوان یک اشتباه کاملاً تاییی برخورد شود"، قابل قبول به نظر می‌رسد. این مورد جزئی را از این لحاظ مستثنی می‌کنم که نقل قول مندرج در بند ۵۰ حکم مذکور در پرونده فوق‌الذکر مسلماً "یک اشتباه تاییی نیست. بنابراین جا داشت که وی درخواست خود را در قالب عبارات دیگری که انطباق روشن تری با قواعد دیوان داشت، طرح می‌کرد.

۵ - ماده ۳۶ قواعد دیوان مقرر می‌دارد که هر یک از طرفها می‌تواند از دیوان داوری تقاضا کند حکمی را که در آن (۱) هرگونه اشتباه محاسبه، (۲) غلطهای انشائی و یا املائی یا (۳) اشتباهاتی از این دست رخ داده باشد، تصحیح کند (۷). جهت توضیح بیشتر ماده ۳۶ را که نقل شده، به صورت دیگری بیان می‌کنم. در قواعد دیوان تصحیح حکم بر مبنای دو نوع اشتباه عمده پیش‌بینی شده است: (الف) اشتباهات عمده یا اساسی (مانند اشتباه محاسبه) و (ب) اشتباهات لفظی (مانند اشتباهات دستوری یا اشتباهاتی که در تایپ یا چاپ متن رخ می‌دهد). عبارت "یا اشتباهاتی از این دست بدون تردید، هر نوع اشتباه قابل تصوری را که بتوان در رده اشتباه اساسی یا لفظی قرار داد در بر می‌گیرد. بنابراین قواعد دیوان هیچگاه مانع از آن نبوده‌اند که دیوان اشتباهاتی را که صرفاً اشتباه محاسبه یا انشائی و املائی نبوده‌اند تصحیح نماید.

۶ - از اینرو نتیجه می‌گیرم که حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵ را نمی‌توان به عنوان سابقه در پرونده‌ای ذکر کرد و مضافاً اینکه استناد به متنی که عملاً عاری از هرگونه اعتبار قانونی بوده و این شبهه را ایجاد می‌کند که جزئی از سابقه قضایی دیوان شده است مسلماً یک اشتباه قضایی است که در استدلال حکم پترولین رخ داده است. برای اساس اگر اکثریت مایل به استفاده از اختیارات خود و انعطاف عبارت "یا اشتباهاتی از این دست" مندرج در ماده ۳۶ قواعد دیوان می‌بود، می‌توانست با درخواست نماینده رابط موافقت کند.

---

۷ - "هر یک از طرفهای داوری می‌تواند ضمن اطلاع به طرف دیگر، ظرف سی روز پس از دریافت حکم، از دیوان داوری تقاضا کند که هرگونه اشتباه محاسبه، غلطهای انشائی و املایی یا اشتباهاتی از این دست را تصحیح کند. دیوان داوری می‌تواند به ابتکار خود ظرف سی روز پس از ابلاغ حکم، چنین تصحیحاتی را به عمل آورد." بند ۱ ماده ۳۶.